



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۳۴

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت

بحث ما در قواعد عامه مربوط به ادله محرز است. در این درس پنجمین قاعده و آخرین قاعده مورد بررسی قرار می‌گیرد. این قاعده عمومی عبارت است از: بررسی جواز اسناد حکم واقعی مؤدای اماره به شارع مقدس؛ به این بیان که با توجه به این که در موضوع جواز اسناد حکم به شارع مقدس، علم اخذ گردیده است، آیا می‌توان حکم مؤدای اماره ظنی را به شارع مقدس اسناد داد یا نه؟

شهید صدر(ره) دو نظریه را در این باره مطرح می‌نمایند که طبق یک نظریه نمی‌توان حکم مؤدای اماره را به شارع مقدس نسبت داد و طبق نظریه دیگر حکم این بحث متفرع بر بحث پیشین می‌باشد، یعنی متفرع بر نتیجه حاصله از بررسی جانشینی اماره مقام قطع موضوعی است که اگر اماره را جانشین قطع موضوعی بدانیم، در ما نحن فیه نیز، اماره، جانشین قطع موضوعی در حکم جواز اسناد شده و می‌توان مفاد اماره را به شارع مقدس نسبت داد و إلاً فلا.

إثبات الدليل لجواز الاسناد

من المقرر فقيهاً أنّ إسنادَ حكمٍ إلى الشارعِ بدونِ علمٍ، غيرُ جائزٍ. و على هذا الأساسِ فإذا قام على الحكم دليلٌ و كان الدليلُ قطعياً، فلا شكّ في جوازِ إسنادِ مؤداهِ إلى الشارعِ؛ لأنّه إسنادٌ بعلم. و أمّا إذا كان الدليلُ غيرَ قطعياً كما في الأمانة التي قد جعلَ الشارعُ لها الحجّيةَ و أمرَ باتّباعها فهل يجوز هنا إسنادُ الحكم إلى الشارع؟

لا ريبَ في جوازِ إسنادِ نفسِ الحجّيةِ و الحكمِ الظاهريِّ إلى الشارعِ؛ لأنّه معلومٌ وجداناً، و أمّا الحكمُ الواقعيُّ الذي تحكى عنه الأمانةُ فقد يقال: إنّ اسناده غيرُ جائزٍ لأنّه لا يزال غيرَ معلوم، و مجردُ جعلِ الحجّيةِ للأمانة لا يبرّرُ الاسنادَ بدونِ علم و إنّما يجعلُها منجّزةً و معذّرةً من الوجهة العملية.

و قد يقال: إنّ هذا مرتبطٌ بالبحث السابق في قيام الأمانة مقامَ القطع الموضوعي؛ لأنّ القطع أخذ موضوعاً لجوازِ إسنادِ الحكم إلى المولى، فإذا استفيدت من دليل الحجّية تلك العناية الإضافية التي تقومُ الأمانةُ بموجبها مقامَ القطع الموضوعي ترتّبَ عليها جوازُ إسنادِ مؤدّى الأمانةِ إلى الشارع، و إلّا فلا.

اثبات جواز اسناد به مولی توسط دلیل

در مباحث گذشته در ذیل مباحث قطع، مبحثی داشتیم تحت عنوان «جواز الاسناد الی المولی» که در آن مبحث بیان شده که غیر از منجزیت و معذرت، اثر دیگری که برای قطع وجود دارد، که عبارتست از جواز اسناد حکم مقطوع به شارع مقدس. مثلاً اگر کسی قطع به حرمت شراب پیدا کند، می‌تواند بگوید: خداوند متعال، خمر را حرام کرده است، چون این سخن (نسبت دادن حرمت خمر به شارع مقدس)، مستند به علم و قطع می‌باشد و در موضوع جواز اسناد حکم به شارع، قطع به حکم اخذ گردیده است؛ به عبارت دیگر، قطع مأخوذ در موضوع جواز اسناد حکم به شارع، قطع موضوعی می‌باشد.

حال با توجه به این‌که در موضوع جواز اسناد به مولا، قطع به حکم اخذ گردیده است، در این درس، به دنبال این سؤال هستیم که آیا می‌توان حکمی را که به وسیله دلیل شرعی ظنی برای ما ثابت شده است، به شارع مقدس نسبت دهیم؟

تطبیق

اثبات الدلیل لجواز^۱ الاسناد

اثبات جواز اسناد حکم به مولا، توسط دلیل

من المقرّر فقیهاً أنّ إسناده حکم إلی الشارع بدون علم، غیر جائز

آن‌چه که از دید و نظر فقهی ثابت شده است این است که: اسناد حکمی به شارع مقدس، بدون علم جایز نیست.

و علی هذا الأساس فإذا قام علی الحكم دلیل و كان الدلیل قطعياً، فلا شک فی جواز إسناده مؤداه إلی الشارع؛ لأنّه إسناده بعلم. بر این اساس (که در موضوع جواز اسناد حکم به شارع، علم به جعل آن حکم، از جانب شارع اخذ گردیده است) اگر دلیلی بر حکمی اقامه شود و آن دلیل، قطعی باشد، (یعنی برای مکلف قطع بیاورد) شکی در جواز اسناد آن به شارع مقدس وجود ندارد؛ زیرا این اسناد، اسناد از روی علم می‌باشد.

Sco۱:۰۶:۱۸

اسناد مفاد دلیل ظنی به شارع مقدس

گفتیم که در موضوع اسناد حکم به شارع مقدس، علم به جعل آن حکم از جانب شارع، اخذ گردیده است حال می‌خواهیم ببینیم که آیا می‌توان حکم حاصل از امارات را به شارع مقدس نسبت داد یا نه؟ که مصنف (ره) این بحث را در دو بخش مطرح می‌نماید:

بخش اول: اسناد حجیت اماره به شارع مقدس

شهید صدر می‌فرمایند: بی شک اسناد حجیت اماره به شارع مقدس جایز می‌باشد. مثلاً می‌توان گفت: «شارع مقدس خبر ثقه را حجت قرار داده است»؛ زیرا همان‌طور که در مباحث پیشین گذشت، حجیت اماره به واسطه دلیل قطعی، باید ثابت

^۱. لام تقویت بر سر جواز که مفعول اثبات است در آمده است.

شود و تا وقتی که دلیل قطعی بر حجیت اقامه نشود، نمی‌توان به اماره تکیه نمود؛ لذا در مورد حجیت امارات، قطع به حجیت داریم و با وجود قطع، موضوع جواز اسناد حکم به شارع مقدس (که قطع به حکم بود) حاصل می‌شود و اسناد آن به شارع مقدس، بی‌شک جایز خواهد بود؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت: اسناد حجیت اماره به شارع مقدس از قسم اسناد دلیل قطعی به شارع مقدس می‌باشد.

تطبیق

و أمّا إذا كان الدليل غير قطعيّ كما في الأمانة التي قد جعل الشارع لها الحجية وأمر باتّباعها فهل يجوز هنا إسناده الحكم إلى الشارع؟

اما اگر دلیل محرز، غیر قطعی باشد، مانند اماره‌ای که شارع برای آن حجیت جعل کرده و به تبعیت از آن امر نموده است؛ پس آیا جایز است که در این جا حکم ظنی که مفاد اماره است را به شارع مقدس اسناد داد؟ لا ریب فی جواز إسناده نفس الحجية والحکم الظاهريّ إلى الشارع؛ لأنّه معلومٌ وجداناً. در جواز نفس حجیت اماره و حکم ظاهری به شارع مقدس، شکی وجود ندارد؛ زیرا حجیت اماره و حکم ظاهری معلوم و مقطوع می‌باشد.

Scot: ۱۳: ۲۷

بخش دوم: اسناد حکم واقعی مؤدای اماره، به شارع مقدس

گفتیم که حجیت اماره را می‌توان به عنوان یک حکم ظاهری به شارع مقدس نسبت داد حال می‌خواهیم ببینیم آیا می‌توان حکم واقعی که اماره کاشف از آن می‌باشد را به شارع مقدس اسناد داد؟ مثلاً اگر اماره‌ای بر حرمت گوشت خرگوش قائم شود، آیا می‌توان حرمت گوشت خرگوش را به شارع مقدس نسبت داد یا نه؟ نکته‌ای که باید در این جا مورد دقت قرار گیرد این است که مراد از حکم مفاد اماره، مطلق حکم است؛ حتی اگر حکم مفاد اماره، نفی حرمت و تکلیف باشد؛ مثلاً اگر اماره‌ای بر عدم حرمت گوشت خرگوش دلالت نماید، آیا می‌توان این عدم حرمت را به شارع مقدس نسبت داد یا نه؟ در پاسخ این سؤال، شهید صدر(ره) دو قول و نظریه را مطرح می‌نمایند؛

قول اول: عدم جواز اسناد مفاد اماره به شارع مقدس

قائلین به این قول می‌گویند: موضوع جواز اسناد حکم به شارع مقدس، علم است؛ و مراد از علم، انکشاف تام و قطع می‌باشد؛ لذا نمی‌توان مؤدای اماره را به شارع مقدس نسبت داد. و حجت بودن اماره مستلزم معلوم و مقطوع بودن مؤدای اماره نیست؛ زیرا حجت دانستن اماره و امر شارع به تبعیت از آن، به این معناست که اماره منجز و معذّر می‌باشد امّا این که مؤدای اماره، معلوم و مقطوع باشد، شیء دیگری است که دلیل حجیت اماره بر آن دلالتی ندارد؛ به عبارت دیگر، شارع مقدس از حیث و بعد عملی ما را امر به تبعیت از اماره نموده است و اماره را از این بعد منجز و معذّر قرار داده است اما از بعد نظری و این که آیا مفاد این اماره مقطوع به است یا نه، دلیل حجیت اماره نسبت به آن ساکت می‌باشد.

^۱. یعنی: جایی که دلیل ظنی معتبر بر حکمی وجود داشته باشد...

و أما الحكم الواقعي^۱ الذي تحكى عنه الأمانة فقد يقال: إن أسناده غير جائز.

اما در مورد اسناد حکم واقعی که مفاد اماره است و اماره حاکی از آن است، به شارع مقدس گاهی گفته می شود که اسناد این حکم به شارع مقدس جایز نیست؛

لأنه لا يزال غير معلوم، ومجرد جعل الحجية للأمانة لا يبرر^۲ الأسناد بدون علم وإنما يجعلها منجزة^۳ ومعدرة^۴ من الوجهة العملية.

زیرا این حکم (مؤدای اماره) هم چنان غیر معلوم می باشد و مجرد جعل حجیت برای اماره، اسناد حکم را بدون علم به شارع مقدس توجیه نمی کند و دلیل حجیت، فقط این اماره را از جهت عمل عبد منجز و معدر قرار می دهد.

قول دوم: جواز اسناد مفاد اماره به شارع مقدس در دو صورت

برخی قائلند که در دو صورت می توان مفاد اماره را به شارع مقدس نسبت داد:

صورت اول: فرض جانشینی امارات نسبت به قطع موضوعی

اگر ما قائل شویم که از دلیل حجیت اماره به دست می آید که اماره می تواند در مقام قطع موضوعی بنشیند و شارع، مفاد اماره را نازل منزله معلوم و مقطوع قرار داده است، می توان مفاد اماره را به شارع مقدس نسبت داد.

صورت دوم: موضوع جواز اسناد حکم به شارع مقدس را، حجت بدانیم

اگر مراد از علم و قطعی که در موضوع جواز اسناد حکم به شارع مقدس اخذ شده است، را حجت بدانیم؛ به این معنا که بگوییم اسناد حکمی به شارع غیر جایز و حرام است که این اسناد بدون دلیل و حجت معتبره باشد؛ اما در صورت وجود دلیل معتبر مثلاً بر حجیت اماره ای، می توان مفاد آن را به شارع مقدس نسبت داد؛ چون اسناد بدون حجت نیست، بلکه اسناد «عن حجة» می باشد^۵

Sc04:26:21

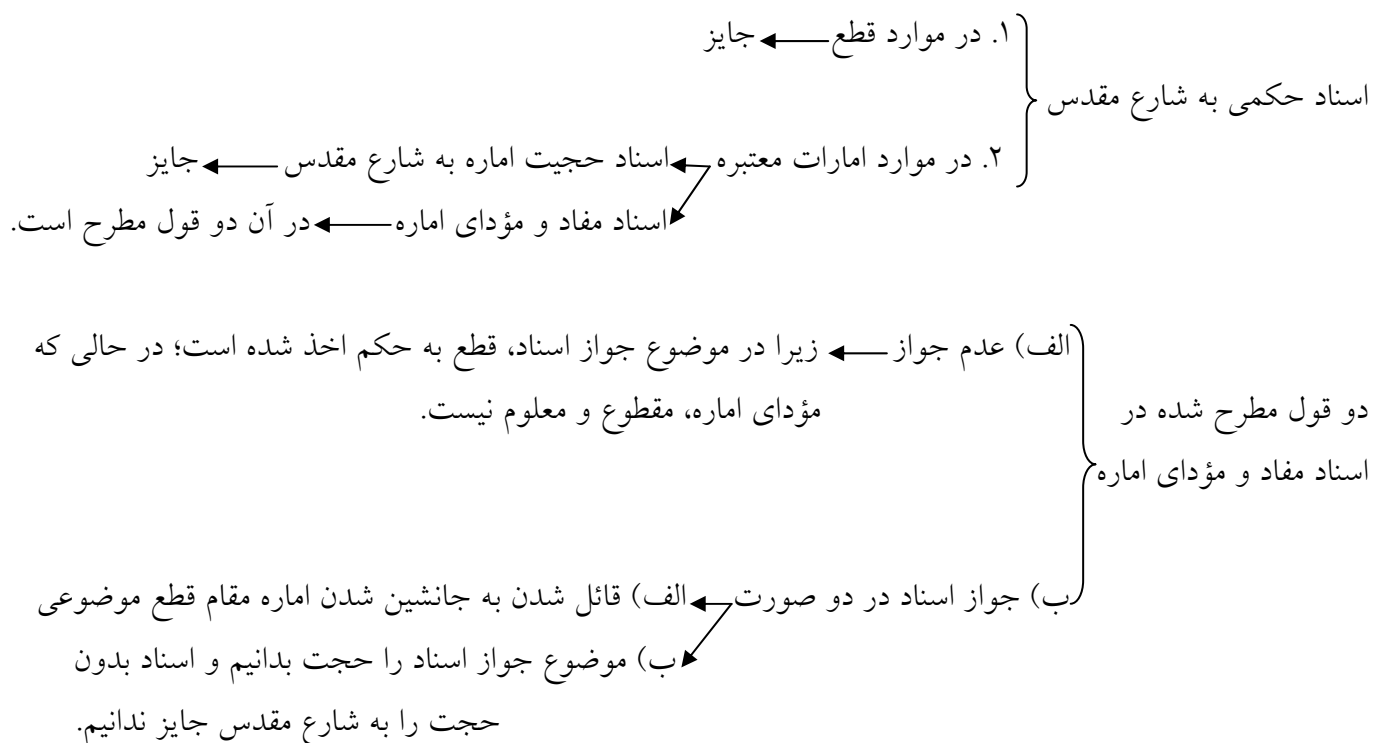
^۱. قبلاً گفتیم که حجیت اماره، حکم ظاهری می باشد، أما مؤدای اماره، حکم واقعی است، زیرا اماره کاشف از واقع است هر چند که کاشفیتش ناقص می باشد.

^۲. یعنی: توجیه نمی کند.

^۳. در موارد اثبات تکلیف.

^۴. در مواردی که اماره نفی تکلیف می کند.

^۵. این صورت در متن درس نیامده است.



تطبيق

و قد يقال: إنَّ هذا مرتبطٌ بالبحث السابق في قيام الأمانة مقام القطع الموضوعي؛
و گاهی گفته می‌شود که جواز اسناد مفاد اماره و عدم آن به بحث سابق مرتبط است که عبارت بود از: قیام اماره مقام قطع موضوعی؛

لأنَّ القطع أخذ موضوعاً لجواز إسناد الحكم إلى المولى

زیرا در موضوع جواز اسناد حکم به شارع مقدس، قطع به حکم اخذ گردیده است
فإذا استفيدت من دليل الحجية تلك العناية الإضافية التي تقوم الأمانة بموجبها مقام القطع الموضوعي ترتب عليها جواز إسناد مؤدَى الأمانة إلى الشارع، وإلا فلا.

پس اگر از دلیل حجیت آن عنایت اضافی که اماره به موجب آن می‌تواند به جای قطع موضوعی بنشینند، استفاده شود، جواز اسناد مؤدای اماره به شارع مقدس، بر آن مترتب می‌شود و گر نه این اسناد جایز نخواهد بود.

۱. در موضوع جواز اسناد حکم به شارع مقدس، علم و قطع به حکم اخذ گردیده است؛ لذا اسناد حکم مقطوع به شارع مقدس بی شک جایز است.
 ۲. اسناد حجیت اماره به شارع مقدس جایز است؛ زیرا حجیت اماره فقط در صورت قطع به حجیت و اقامه دلیل قطع بر آن ثابت می‌شود.
 ۳. در جواز اسناد مفاد اماره دو قول وجود دارد:
- قول اول: عدم جواز؛ زیرا در موضوع جواز اسناد، قطع به حکم اخذ شده است؛ در حالی که مؤدای اماره، مقطوع و معلوم نیست.
- قول دوم: جواز اسناد مفاد اماره در دو صورت ذیل:
- الف) قائل شدن به جانشین شدن اماره مقام قطع موضوعی
- ب) مراد از قطع اخذ شده در موضوع جواز اسناد را، حجت بدانیم و اسناد بدون حجت را به شارع مقدس جایز ندانیم.